

« ارایش موریتز فون هورن بوستل »

در ۲۵ فوریه سال ۱۸۷۷ کودکی چشم بجهان گشود که سال ها بعد با نبوغ خود چشم مردم جهان را خیره ساخت. این کودک « ارایش موریتز فون هورن بوستل » نام داشت. مادر وی (هلن ماکنوس) در شمار خوانندگان خطر از اول بود و پدرش از قضات درجه اول دادگستری محسوب می شد.

« هورن بوستل » اولین درس موسیقی را از مادر هنرمند خود و سپس از دوست نزدیک خانواده اش « یوهان برامس » گرفت و چون استعداد ذاتی و شنوایی او خارق العاده بود وی را بدست « ماندی چوسکی » ۴ سپردند تا دروس هارمونی و آهنگسازی را باو بیاموزد.

سالی چند پس از آن ، با آنکه « هورن بوستل » موسیقی دان خوبی شده بود و خانه پدری او يك كانون كوچك هنری بشمار میرفت ؛ عازم هایدلبرگ شد و در رشته شیمی مشغول تحصیل گردید و در همانجا بود که دکترای خود را در رشته شیمی گرفت.

۱ - Erich Mauritz von Hornbostel

۲ - E. Mandyczewsky

پس از خاتمه تحصیلات به برلین رفت و نزد «موزیکولوگ» مشهور «کارل شتومپف»^۱ به فراگرفتن «موزیکولوژی» مشغول شد. دیری نپایید که روابط استاد و شاگرد صمیمانه شد و «هورن بوستل» که توانسته بود نبوغ خود را یکبار دیگر نشان دهد، بعنوان همکار و معاون استاد خود شروع بکار کرد. بزودی فعالیت‌های جدی و خستگی ناپذیر «هورن بوستل» شروع شد. این فعالیت‌ها عبارت بود از تحقیق در رشته‌های روانشناسی آزمایشی^۲ و «موزیکولوژی»^۳ تطبیقی^۴.

«موزیکولوژی» تطبیقی در سال ۱۸۹۰ بصورت نویسی در امریکا جلوه گر شد. «هورن بوستل» بر آن شد که این فرم جدید را اقتباس نموده و آنرا بصورت تازه‌تری که امروز بنام «اتنو موزیکولوژی» معروف است، درآورد. چند سال بعد بالاخره استاد و همکار یعنی «شتومپف» و «هورن بوستل» موفق شدند برای اولین بار پلی بر روی موسیقی و «اتنولوژی» زده و از آمیزش آن دو علم «اتنو-موزیکولوژی» را بوجود آورند که امروز از ارکان مهم فلسفه و موزیکولوژی محسوب می‌شود.

در همان زمان یکی از دوستان صمیمی این دو همکار که شغل اصلی وی پزشکی و بیماریهای زنانه بود و «اتوا براهام»^۴ نام داشت، شروع به همکاری با آنان نمود. «هورن بوستل» و همکارانش اولین تحقیقات جمعی خود را در انستیتوی روانشناسی دانشگاه برلین آغاز نمودند. سه ماه بعد متفقاً باین نتیجه رسیدند که برای بسط تحقیقات و ادامه کار چاره‌ای جز متوسل شدن به ماشین آلات ضبط صدا ندارند؛ از اینرو بلافاصله دست به تهیه اولین دستگاه «فونوگراف»^۵ زدند؛ علاوه بر آن شروع بجمع‌آوری آهنگهای مختلفی از اطراف و اکناف جهان نمودند. بزودی کار ضبط و جمع‌آوری آهنگها بالا گرفت و دیری نپایید که دستگاه کاملی ساخته شد که بنام «فونوگرام آرشیو» معروف است. گرچه کار مداوم و تحقیقات دامنه‌دار «هورن بوستل» و همکارانش درخفا و بدون سروصدا انجام می‌شد، طولی نکشید که مطالعات آنان و بخصوص «هورن بوستل» مورد توجه دانشندان و استادان دانشگاه برلین واقع شد و بنا به پیشنهاد

۱ - Carl Stumpf

۲ - Experimentelle Psychologie

۳ - Vergleichende Musikwissenschaft

۴ - Otto Abraham

۵ - اولین دستگاه «فونوگراف» که مورد استفاده «هورن بوستل» و

همکارانش قرار گرفت بوسیله ادیسون ساخته شده بود. این دستگاه بامقدار زیادی لوله‌های ضبط صوت خوشبختانه در جنگ اخیر آسیب ندید و اینک در انستیتوی موزیکولوژی دانشگاه شهر کلن وجود دارد.

آنان در سال ۱۹۱۷ « هورن بوستل » باستادی دانشگاه برلین انتخاب گردید.

« هورن بوستل » ترجیح می داد که به تحقیقات خود ادامه دهد، بهمین جهت بتدریس در دانشگاه علاقه زیادی نشان نداد؛ با وجود این توانست رشته « موزیکولوژی » تطبیقی را برای اولین بار بعنوان یکرشته خاص جزو دروس دانشگاه بگنجانند و شاگردانی در رشته « موزیکولوژی » تطبیقی تربیت کند.

بزودی فارغ التحصیلان این دانشکده در ممالک مختلف اروپا و امریکامتفرق شدند و بتدریس موزیکولوژی در دانشگاههای مهم جهان پرداختند. در واقع پیشرفت کار « موزیکولوژی » بخصوص « موزیکولوژی » تطبیقی که بعدها بصورت « اتنوموزیکولوژی » درآمد، در درجه اول مرهون گردانندگان دانشگاه برلین بود، زیرا آنان ارزش این علم نوظهور را بخوبی می دانستند و وسایل کار را بی دریغ در اختیار « هورن بوستل » و همکارانش گذاشتند.

در اواسط جنگ بین المللی اول فعالیت های انستیتوی موزیکولوژی نو بنیاد برلین تقریباً را کدماند؛ چه در این زمان « هورن بوستل » بخدمت سر بازی فراخوانده شد. وی ابتدا افسر توپخانه بود ولی طولی نکشید که اسپر دشمن شد. مدتی بعد آزاد گردید و به آلمان بازگشت. این بار او را به نیروی دریایی منتقل کردند و تا پایان جنگ در یک زیر دریایی مشغول خدمت بود.

در کیرودار جنگ نیز « هورن بوستل » از فعالیت های علمی خود دست نکشید و چه بسا که در جبهه های جنگ نیز دستگاه فونوگراف خود را از خود دور نمی کرد و آنرا همه جا به همراه خود می برد. او در طول مدت سر بازی موفق به ضبط آثار موسیقی پر ارزشی گردید؛ حتی در روزهایی که اسپر بود آهنگهای محلی اقوام مختلفی را که در همان بازداشتگاه بسر می بردند، ضبط می کرد و کلمکسیون جالبی برای آرشیو خود تهیه نمود.

بعدها جمیع آوری این آهنگها که جزو فعالیت های دوران جنگ او محسوب می شد سروصدای زیادی در اروپا برآورد و انداخت. تجزیه و تحلیل هائی که « هورن بوستل » روی این آهنگها بعمل آورده بود بقدری جالب و آموزنده است که هنوز هم مورد استفاده محققین موسیقی قرار می گیرد.

« هورن بوستل » در رشته علوم طبیعی نیز موفقیت زیادی کسب کرد. تحقیقات او در این رشته عبارتند از: مطالعاتی درباره حس سامعه انسان از نظر فیزیکی و روانشناسی و نیز پژوهش های راجع به حس شامه موجودات از نظر فیزیولوژی و روانشناسی.

مطالعات وی در قسمت های غیر موزیکولوژی صرفاً اتلاف وقت یا کسب شهرت نبود؛ بلکه هدف او پیشرفت کار موزیکولوژی بود.

از جمله مطالعات دیگری که « هورن بوستل » برای پیشرفت کار خود بدان دست زد تحقیقاتی درباره زبان و خط اقوام مختلف بود. وی می خواست از این راه

بهرتر و بیشتر به افکار ملل پی برد تا در سایه آن، موسیقی آنها را که زائیده همان افکار است، نیکوتر بشناسد.

« هورن بوستل » نتیجه تحقیقات خود را مرتب بروی کاغذ می آورد و عقیده داشت که حتی صحبت های خصوصی و خودمانی را هم باید برشته تحریر در آورد تا در صورت لزوم روزی بکار آید. نامه های خصوصی « هورن بوستل » که تقریباً همه آنها جمع آوری شده است بسیار طولانی و رساله مانند است و در آنها او پخویی نشان داده است که يك نامه خصوصی نیز می تواند آموزنده باشد.

از سال ۱۹۲۰ بیعد بمناسبت وضع آشفته اقتصادی، انستیتوی موزیکولوژی « هورن بوستل » دچار محدودیت گردید. دولت وقت آلمان برای جلوگیری از بحران شدید اقتصادی بسیاری از تحقیقات علمی را تعطیل کرد و دارستان وزارت فرهنگ آلمان طی نامه ای کمک مالی خود را به انستیتوی مزبور قطع نمود.

مضمون حکم دارستان از این قرار بود: « چون اموال انستیتوی موزیکولوژی برلین شخصی و متعلق به « کارل شتومپف » و « هورن بوستل » است و این مؤسسه ملی می باشد، از این جهت دولت نمی تواند بیش از این به مؤسسه مزبور کمک مالی نماید ».

دو همکار برای جلوگیری از تعطیل انستیتو دست بغدادکاری عجیبی زدند و تمام مؤسسه را به دولت واگذار کردند.

از آن تاریخ « شتومپف » بعزت کهولت از کار کناره گرفت و جای خود را به « هورن بوستل » داد. ولی نامبرده هم نتوانست آنطور که باید و شاید بفعالیت خود ادامه دهد زیرا بعنوان يك کارمند ساده با استخدام سازمانی درآمد که خود خبالق آن بود.

در سال ۱۹۳۳ یعنی زمان روی کار آمدن حزب ناسیونال سوسیالیست برهبری هیتلر، عرصه بر « هورن بوستل » تنگ تر شد. مدتی بود که وی بجهت مرض قلبی که داشت در سوئیس پسر می برد، دولت آلمان نازی هم ربه بهانه اینکه مادر وی یهودی است تنها مستمري او را قطع کرد و حتی از بازگشت او به وطنش جلوگیری کرد. « هورن بوستل » مدتی در سوئیس اقامت گزید و چون دانشگاه نیویورک ویرا جهت تدریس دعوت نمود عازم آن دیار شد ولی بزودی با اروپا بازگشت، زیرا هوای نیویورک با مزاج او سازگار نبود.

پس از بازگشت از آمریکا به انگلستان رفت و تا پایان عمر در آنجا بسر برد و در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۵ در همانجا درگذشت.

« هورن بوستل » از بزرگترین پیشروان موزیکولوژی « سیستماتیک » جهان

بشمار میرود. او با کارهای تحقیقی خود موفق شد که مطالعات « کارل شتومبف » را به مرحله اجرا درآورد، ضمناً با آزمایشاتی که در رشته فیزیولوژی صوت بعمل آورد، موفق به انجام خدماتی فراموش نشدنی گردید. نتایج کارهای پرارزش « بوستل » در درجه اول شناسایی علم جدیدی بود که امروز در شمار علوم مهم جهان است. علاوه بر آن در نتیجه زحمات او بود که شناسایی موسیقی که تا آن زمان منحصر به تاریخ موسیقی بود، بسط یافت و جای خود را به موزیکولوژی داد.

یکی از مسائلی که همیشه مورد نظر « هورن بوستل » بود و تقریباً پایه و اساس تفکرات او را تشکیل می داد، تئوری کوئیننت باری بود. او عقیده داشت که این تئوری پایه و اساس گام های موسیقی جهان می باشد. « بوستل » در کتاب « گام های موسیقی » خود توانست با این تئوری گام های مختلف موسیقی ملل جهان را پیدا نماید و در رشته آنها تحقیقاتی بعمل آورد. گرچه مطالعات او در این زمینه ناتمام ماند باز باید تصدیق کرد که هنوز کسی نتوانسته است تحقیقات بیشتری در این رشته بعمل آورد.

دکتر خاچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - برای تدوین این مقاله از منابع زیادی استفاده شده است. از آن جمله است مقالات « کارل شتومبف » و « پروفیسور « هوسمان » استاد موزیکولوژی دانشگاه هامبورگ و اطلاعات شفاهی پروفیسور « ماریوس شنايدر ».